



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۱۶۹

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات قبل از دستور)

شبهه دهم آبان ماه ۱۳۰۹ - ۹ جمادی الاخری ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالیانه ۱۲ تومان
داخليه ۱۰ تومان
تلك شماره : يكقران

مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز شنبه دهم آبان ماه ۱۳۰۹ * (۹ جمادی الاخری ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) شور در لایحه اصلاح قانون ممیزی
- ۳) معاونت کبر کیانی به ابراهیم بیضا در موقع بازگشت به ایران -
- ۴) موقع جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس پنجشنبه هشتم آبان ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند * * *

رئیس - آقای فیروز آبادی
 فیروز آبادی - قبل از دستور
 رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (گفته شد)
 رئیس - آقا نمیشود . یکساعت بظهر داریم . دو
 هزار کار متراکم . اینرا نمیشود بحرف گذراند . اراده
 مجلس بر این است که وارد دستور شویم (صحیح است)
 رئیس - صورت مجلس تصویب شد .
 جمعی از نمایندگان - دستور

* * * مذاکرات مشروح یکصد و شصت و نهمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه . (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)
 دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین جلسه ۱۶۷ که ضمن صورت مجلس خوانده شده است :

غائبین با اجازه - آقایان : محمد منبائی - حیدری - رهبری - دکتر ملک زاده - عبدالحمید خان دیبا - عباس میرزا - انسر - بوشهری
 دکتر سنک - محمدعلی میرزا دولتشاهی - بالیزی - آصف - اعظم - اسدی - فرخی - کاشانی - لرستانی - رحیم زاده - موقر - قوام
 حاجت - حاج سید محمود - کفالی - بیات - ارباب کبکسرو - حاج غلامحسین ملک - محمد آخوند - تیبور تاش
 غائبین بی اجازه - آقایان : میرزا حسنخان وثوق - دکتر امیر اعلم - محمد ولی میرزا - حاج میرزا حبیب الله امین - حاج رحیم آقا
 میرزا ابوالفضل - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک
 در آمدگان با اجازه - آقایان : دهستانی - امیر ماری - مولو - عراقی - ضیاء - حاجی علی اکبر امین - اسعد - ذوالقدر .

ماده چهارم قانون ممیزی مطرح است قرائت میشود
ماده چهارم - کلیه مالکین و یا نمایندگان آنها مکلفند
که شصت روز بعد از تصویب این قانون **مجلس** در ظرف
سه ماه اطلاعات ذیل را کتباً با اداره **مالیه** محل و با **مجلس**
آن تسلیم نمایند اداره مالیه هم مکلف بدادن رسید
خواهد بود

۱) اسم ملک و ولایتی که در آن واقع است

۲) اسم یا اسمی مالکین

۳) میزان توسط انواع محصول ملک بر طبق عمل
کرد ملک در سه سال از سالهای اخیر بدون آفت

۴) عواید نقدی و جنسی مالک در سال عادی
بدون آفت

۵) عده جفت گاو و یا عوامل متشابه

۶) تناسب تقسیم محصول بین مالک و رعیت

۷) مخارج معمولی ملک در هر سال

نسبت با مالکی که در اجاره هستند اطلاعات مذکوره
باید با مضای مالک و یا نماینده آن و مستأجر ملک باشد
وزارت مالیه مکلف است که از تاریخ تصویب این قانون
منتهی تا دو ماه تمام وسایل انجام اظهار نامه های فوق
را در هر محل تهیه و اعلانات لازمه را چه بوسیله
مأمورین خود و کدخدایان قراء و چه بوسیله لشردر
چراغ منتشر سازد و اوراق اظهارنامه را تهیه و بدسترس
مالکین بگذارد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در شور اول نسبت باین ماده يك
شرحی عرض کردم پیشنهاد هم کردم حالا
هم آقای وزیر مالیه و همچنین آقای مخبر را توجه میدهم
میگویم آنچه هائی درش تصور نفی برای خزانه ملکت
میرود او را ما خوب، ایراد میکنیم و آقای وزیر یا مخبر
هم جواب میدهند ولی آنچه که نفی برای خزانه مملکت
ندارد بنده عقیده ام این است يك زحمت بی فایده است
نسبت بمؤدی مالیات و حال آنکه هیچ نفی هم برای
خزانه دولت ندارد مگر زحمت مأمورین و تحصیلدارها

میدانید بعد مینوسد میزان متوسط انواع محصول ملک
بر طبق عمل کرد ملک در سه سال از سالهای اخیر
بدون آفت پنبی و بین الله کدام يك از ملاکین مادد
مملکت هنوز در مملکت دارای دفاتر هستند تجارخانه
هنوز دفتر رسمی ندارند که بنویسند چقدر صادرات
است چقدر واردات است بنده بنویسم جو این ده
ده خروار بوده است و گذشته مثلأ امسال ده خروار
ارزشش ده خروار نخودش این اندازه پنجاهش این
اندازه بوده است يك صورت مفصلی بنده مینویسم که این
سه سال متوسط را در نظر میگیریم که محصول متوسط این
سه سال اخیر بدون آفت جنس حاصلی از این ملک این
جور بوده بنده يك شعر ملک داشتم نوشتم ولی این ملک
نود و دو شعر است نود و دو نفر این اشتراک دارند
و باید بنویسند حالا فکر کنید وزارت مالیه وارد مطالعه
این بشود چه میکنیم آقایان ملاحظه فرمائید آخر قع
این چه چیز است چه نفی دارد و یکی دیگر سه سال
اخیر برای چه ما که هر چه فکر کردیم از اول تا آخر که
این سه سال اخیر مناط در چه چیز است فهمیدیم اگر
برای تسعیر بود که ما تقسیم پنجسال دیگر این سه سال
اخیر برای چیست یکجاها هست که باید دولت مالیترا
از جهت ارزاقی نگاهدارد یکجائی باید تسعیر کند دیگر
سه سال اخیر را کردن این مالک بدبخت مادر مرده که
دارای ملک شده چرا بگذاریم این قانون در مجلس میگردد
فردا موقع عمل است هر کدامتان که يك و جب ملک
دارید به پنبید که گرفتار چه صدماتی نسبت بتحصیلدارها
خواهید شد اینهم جزو سوم جزو چهارم: عوائد نقدی
و جنسی مالک در سال عادی بدون آفت آی مالکین این
چابنده چقدر مالک هستم بنده مفتش هستم که بگویم
آقای فاضل الملک شما آقدر دارید آن یکی مفتش او
است خوب همچنین اگر يك مالکی چهار تا مالک پنج
تا مالک داشت اینها برای هم دیگر مفتش واقع میشوند
چرا برای چه هر يك از اینها مکلف هستند آن عواید
خودشان منافع خودشانرا صورت بدهند بنده مال آنرا
بگویم او مال من را ۱۲ هر کدام از اینها راه پنبید چه
دارالتعلیم دار التجزیه دارالانشائی تشکیل می دهند که
حاصل يك ده را اطلاع بدهند. این ماده برای چه بوده

وزیر مالیه - مقصود همین است.

ملک مدنی - هر مالکی سهم خودش را باید بگوید.

آقا سید یعقوب - اگر مقصود اینست عرضی ندارم.

رئیس - آقای فیروز آبادی موافقت

فیروز آبادی - خیر مخالفم

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرضی ندارم

ملک مدنی - اجازه میفرمائید.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

روحی - مذاکرات کافی است. آقا قانع شدند.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود.

پیشنهاد آقای عدل

پیشنهاد میکنم در ماده چهارم در دفعه اول پس از

عبارت اسم ولایتی نوشته شود ملک الی آخر

رئیس - آقای عدل

عدل - این فقط يك اصلاح عبارتی است مختصر است

نوشته است اسم ملك و ولایتی که در آن واقع است مقصود بنده این است که اسم ملك و ولایتی که ملك در آن واقع است نوشته شود.

مخبر کمیسیون قوانین مالیه - قبول میکنم

رئیس - پیشنهادی از آقای آقا سید یعقوب رسیده قرائت میشود
پیشنهاد میکنم در ماده چهارم جزء دوم این نوع اصلاح شود

۲ - اسم خود یا قائم مقام قانونی خود ۳ - میزان متوسط انواع محصولی که از ملك برداشت میکنند ۴ - عواید نقدی و جنسی خود ۵ - عده جفت گاو یا عواملی که برای زراعت بکار و ایدار نموده ۶ - تناسب تقسیم محصول بن مالك و رعیت ۷ - مخارج معمولی که هر سال مینماید.

آقا سید یعقوب - این را آقای مخبر و آقای ملك مدنی فرمودند که مراد این است بنده عرض کردم خدمتشان ماده این جور نبرساند. پس ماده را اصلاح کعبید بعلت اینکه اینجا نوشته اسم با اسامی مالکین بنده يك نفر چطور اسامی همه مالکین را بنویسم؟! یا تقسیم بین او و رعیتش اگر نظر همین طور که آقای وزیر مالیه فرمودند بشخص است پس مقصود بنده هم همان است. پس این را اصلاح کنید تا مراد حاصل شده و ایراد وارد نباشد.

وزیر مالیه - مقصود همین است که میفرمائید یعنی هر مالکی آن قسمتی را که مالك است باید بنویسد اینکه اسم برده اند 'اسم یا اسامی مالکین' فرض مورد يك قریبه است که البته مالکینی دارد. ممکن است چند نفر باشند که با هم شریک باشند این هم دونوع است یکی اینکه هر يك يك دانك دارد می تواند اسم خودش را بدهد و میتواند اسم آن پنج نفر دیگر را هم بدهد. ولی يك جائی است که مشاع است یعنی جائی که هر نفری يك حصه معینی ندارد. البته در اینجا مالك دونفر سه نفرند هر سه باید اسمشان را بنویسند اما

مقصود مال خودش است. ولی چون به نمایندگان هم حق دادید باید لفظ مالك بنویسید.

آقا سید یعقوب - اجازه بفرمائید

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - چون این ماده مطابق پیشنهاد که شده به کمیسیون میرود و اینهم میرود به کمیسیون در اینجا آقای تقی زاده نوعی بکنند که رفع اشتباه بشود.
رئیس - ماده چهارم به کمیسیون میرود.

آقا سید یعقوب - چرا يك پیشنهادی آقای چیز کردند.

رئیس - آنرا مخبر قبول کردند. آقابانیکه پیشنهاد آقا سید یعقوب را تصویب می کنند قیام فرمائید (دو سه نفر قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای طاهری

مقام منبع ریاست

پیشنهاد میکنم در ماده چهارم اسامی مالکین حذف شود.
دکتر طاهری - راجع باین تکلیف که بمالك متوجه میشود و بنده پیشنهاد کردم که حذف شود از این جهت که البته هر مالك باید اسم خودش را در اظهار نامه بنویسد ولی مالك را مکلف میکنند که اسم سایر مالکین را هم بنویسد این يك تکلیف مالایطافی است اعم از اینکه ملك مختص بيك کسی باشد یا مشاع باشد مثلاً اگر چنانچه يك دهی مال يك نفر است اسم خودش را می نویسد و اگر هم مال چند مالك است هر يك مالکی سهم خودش را مینویسد نسبت بسهم خودش باید مکلف باشد ولی او را مکلف کنیم که در يك ملك مشاعی تمام مالکین را اسامی شان را بنویسد این تکلیف مالایطافی است و اصلاً ممکن نیست زیرا يك جائی است که صد تا مالك دارد یکی يك دانك یکی نیم دانك دارد یکی یکساعت آب دارد آن سهم خودش را مینویسد و حصه خودش را معلوم میکند چه میداند که سایر مالکین و مشترکین کجا هستند این اصلاً نه لزوم دارد و نه امکان (صحیح است) ممکن است هر کسی نسبت بسهم خودش عالم باشد و این ترتیب چون مستلزم يك

مجازاتی است بعلاوه موجب يك تاخیری میشود اگر بخواهند تمام مالکین را اسم ببرند نمیتوانند در موعد مقرر اصلاً اظهار نامه بدهند بعلاوه کسی مسئول مال دیگری نیست يك دهی صد تا مالك دارد بنده هم که مالك نسبت بسهم خود اظهار نامه میدهم اما در ضمن اظهار نامه مینویسم که سایر مالکین چنین و چنان و فلان است این مربوط بمن نیست و این چه ملك مشاع باشد و چه مال يك نفر باشد فرق ندارد

وزیر مالیه - اینجا مقصود همان چیزی است که گفته و یکی بعد از دیگری توضیح دادند مقصود اینست که هر کسی ملك خودش را مینویسد اگر میخواهید عبارت را طور دیگری بفرمائید بنده حرفی ندارم. مرقوم فرمایند اسم مالك

رئیس - آقای طلوع هم پیشنهادی کرده اند

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی

در ماده چهارم پیشنهاد میکنم بعد از ظرف سه ماه اضافه شود پس از انتشار اظهار نامه ها.

رئیس - آقای طلوع

طلوع - حالا که ارفاقاً برای تمام این مواد يك مقررات و مجازات هائی معین شده است بنده هم خواستم يك قدری حقیقه از نقطه نظر رعایت حال مردم این اظهار نامه ها پس از انتشار باشد اصل خود ماده را می خوانم نوشته است کلیه مالکین یا نمایندگان آنها مکلفند شصت روز بعد از تصویب این قانون منتهی در ظرف سه ماه اطلاعات ذیل را کتباً با داره مالیه محل و یا نماینده آن تسلیم نمایند. این جا شصت روز یا سه ماه برای بنده معین کرده و يك مقرراتی هم معین کرده اند. بعد در این جا نوشته که وزارت مالیه مکلف است از تاریخ تصویب این قانون منتهی تا دو ماه تمام وسائل انجام اظهار نامه های فوق را در هر محل تهیه و اعلانات لازمه را چه بوسیله مأمورین خود که خدایان قراء و چه بوسیله نشر در جراید منتشر سازد و اوراق اظهار نامه ها را تهیه و بدسترس مالکین بگذارد. بنده بعد

از سه ماه آدم می خواهم مطابق همین مقررات که در این جا معین کرده اسم مالک یا اسامی مالکین و سایر قسمت ها را که در این جا نوشته است معین کنم ولی آن اظهار نامه ها در دسترس بنده نیست وزارت مالیه مکلف بوده است که اظهار نامه ها را در دسترس بنده بگذارد و آن سه ماه منقضی شده و نگذاشته بنده که اظهار نامه ندارم و سه ماه هم منقضی شده باید مجازات شوم که چرا باین مقرراتی که در اینجا نوشته ایم عمل نکردی بنده استدعا میکنم پیشنهاد هم کرده ام آقای تقی زاده توجه بفرمائید و قبول بفرمائید که در ظرف سه ماه بعد از انتشار اظهار نامه ها باشد که اظهار نامه در دسترس مردم باشد آنوقت اگر من مسامحه کردم مجازات شوم مقصود این است که اظهار نامه دست مردم باشد که اگر نکند مجازات شود اما وقتی که اظهار نامه دست من نیست دیگر چرا مجازات شوم

رئیس - آقای ملک

ملک مدنی - بنده عرض میکنم در عمل تقریباً همان نظر حضرتعالی است و خود آقای وزیر مالیه هم در نظر دارند و تصور نمیکند اظهار نامه را در دسترس مالکین نگذارند در این صورت انتشار پیدا میکند آن اطلاعات را که می خواهید مینویسند و نظر شما حقیقه تأمین میشود زیرا لازمه گرفتن اطلاعات دادن اظهار نامه است تا وقتی که وزارت مالیه اظهار نامه منتشر نکرده چطور باید توقع داشته باشد که اوراق را امضاء کنید در هر صورت نظر حضرتعالی راجع باین اصلاح تأمین است.

وزیر مالیه - در ماده بنده با این اصلاح مخالفی ندارم يك نگرانی هست از اینکه اظهار نامه ها بمالکین نرسد بنده این جا در مجلس عرض میکنم که قبل از این دو ماه اظهار نامه ها باید منتشر شود و هر چه زود تر باید طبع کنند دستور هم دادم ولی يك مطلب را ملاحظه بفرمائید اگر این در ظرف يك ماه بدست مردم رسید اگر بخواهید يك ماه بعد از سه ماه دیگر می توانند که جمعاً چهار ماه فرصت دارند مطابق این قانون یعنی بعد از سه ماه دیگر

حالا فرضاً مال طهران ده روز دیگر بیست روز دیگر تهیه و اعلان شد و بدست مردم رسید باز يك پنجاه روز و يك سه ماه دیگر وقت دارند مطابق این قانون اگر این را هم آقایان کافی نمیدانند بنده مخالفی ندارم که بنویسند سه ماه بعد از اعلان مندرجه در این قانون ولی تصور میکنم که خود ماده کاملاً کافی است و مقصود آقایان را تأمین میکند و بنده عرض میکنم که بر فرض که این قانون امروز ظهر گذشت همین امروز ظهري دستور میدهم و منتشر میکنم چون نفع دولت در این قانون است (صحیح است).

دشتری - بفرمائید دوباره بخواند

(پیشنهاد آقای طلوع بشرح سابق دو باره قرائت شد)

طلوع - اجازه میفرمائید

رئیس - نه دیگر

طلوع - خواستم عرض کنم چون نظر وزارت مالیه در این است که بعد از نشر اظهار نامه ها باشد چون نظر دولت هم همین است بنده پیشنهاد را استرداد میکنم

رئیس - آقای مسعود پیشنهادی کرده اند:

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی

بنده پیشنهاد میکنم که بعد از گله مالین در ماده چهارم سطر اول نوشته شود (املاکی که هنوز بمیزی آنها بتصویب وزارت مالیه نرسیده است)

رئیس - آقای غلامحسین میرزا

غلامحسین میرزا مسعود - عرض کنم فعلاً دو دسته املاک است یکی املاکی است که بمیزی آنها تمام شده و وزارت مالیه تصدیق کرده و بمالکین نوشته اند مالیات شما از این قرار است يك دسته املاکی است که باین ترتیب پیش نیامده و هنوز بمیزی نشده بنده تصور میکنم نسبت بآن دسته که بمیزی شده و بتصویب وزارت مالیه رسیده دیگر اظهار نامه نباید بدهند اگر وزارت مالیه اعتراضی دارد باید وزارت مالیه اعتراضی بکنند

وزیر مالیه - البته این نکته را که میفرمائید صحیح است ولی يك چیزی باید برش اضافه شود.

کلیه املاکی که بمیزی نشده یا اگر شده مورد اعتراض دولت واقع نشود. چون مطابق ماده هست ممکن است بمیزی شده باشد ولی مورد اعتراض دولت است و باید دو مرتبه اظهار نامه بدهند. ممکن است نوشته شود املاکی که بمیزی نشده و یا بمیزی آنها مورد اعتراض دولت واقع نشود.

رئیس - قبول میکنید؟

غلامحسین میرزا مسعود - بله بله اضافه شود. همین طور که فرمودند املاکی که بمیزی شده یا بمیزی آنها مورد اعتراض دولت واقع شود

رئیس - آقای مؤید احمدی اعتراضی دارند که گمان میکنم قابل اصفاء باشد.

مؤید احمدی - اعتراضی نیست عرض کنم ما در ماده هشت حق اعتراض را هم بمالکین دادیم و هم بدولت. این جا اگر بنویسیم فقط دولت آنوقت آن قسمت تکلیفش چه میشود؟

جمعی از نمایندگان - صحیح است

کازرفانی - تعارض دارد

غلامحسین میرزا مسعود - اجازه میفرمائید

رئیس - زیاد تر از حق قانونی است.

ملک مدنی - اجازه میفرمائید توضیح ایشان را بنده جواب عرض کنم.

رئیس - بفرمائید

ملک مدنی - عرض میکنم ماده هشت تکالیف دیگری دارد. این نکته را که آقا اشاره کردند يك تکالیف دیگری دارد مطلبی را که آقای غلامحسین میرزا اشاره کردند میخواهم توضیح بدهم که آقای مؤید احمدی هم رفع اشکالشان بشود. این جا راجع بدادن اظهار نامه است مقصود ایشان این است که اگر يك تقاضای بمیزی شده بتصدیق وزارت مالیه هم رسیده است بعد از گذشتن این قانون با آن حقی که بوزارت مالیه داده شده است میتواند اعتراض کند اگر چنانچه نخواست اعتراض کند ملزم باشند مالکین بدادن اظهار نامه مقصود ایشان از این

پیشنهاد که داده اند این است.

یاسائی - بیخود پیشنهاد کرده اند.

رئیس - حالا پیشنهادات دیگر را مطرح میکنم تا این پیشنهاد اصلاح شود بعد درش بحث میکنیم. پیشنهاد آقای فولادوند

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۴ بطریق ذیل اصلاح شود در قسمت جمله منتهی در ظرف سه ماه اطلاعات ذیل را (جمله در مقابل تقاضای کتبی وزارت مالیه) علاوه شود.

رئیس - بفرمائید

فولادوند - بنده در شور اول عین این پیشنهاد را کرده بودم مقصود عرض اینست که این قانون برای مردم تولید زحمت میکند چون آقای وزیر مالیه میدانند که در خیلی از ولایات و جاها يك اشخاصی هستند که شاید سال بگذرد و از قوانین بی اطلاع باشند فرض بفرمائید پیر زن بیچاره است رعیت است اصلاً از تمام این جزئیات اطلاع حاصل نمیکند و ممکن است دو سال هم بگذرد و نفهمد و وقتی که این قانون گذشت و مدت این قانون سرآمد مطابق ماده دو این قانون باید دو برابر جریمه بشوند ولی همینقدر که وزارت مالیه تقاضای کتبی بآنها بدهد خود آن مأموری است برای اینکه جواب بدهد و دیگر دچار دادن جریمه ماده دو این قانون نمیشود باینجهت زحمتی ندارد در مقابل تقاضای کتبی مأمورین مالیه مردم مجبور باشند که این اظهار نامه ها را جواب بدهند که محتاج باخذ آن جریمه نباشند اگر چه با این موادی که وزارتخانه تهیه کرده است در نتیجه تضاد مأمورین دولت با مردم کمتر میشود ولی در جوابهایی که مردم باید بدهند در اظهار نامه ها که هر کس محصول خودش را اظهار کند يك محظوری پیدا خواهند کرد بسا مأمورین دولت برای حکمیت که شاید چندین مدت آن اصطکاک دولت بامردم هست در هر صورت اگر این قسمت را رعایت بفرمایند برای مردمی که بی اطلاعند از این قانون یا در نقاط دور هستند در مقابل تقاضای مأمورین مالیه جواب بدهند

رفع این زحمت میشود و خود این يك مساعدتی است با مردم حالا مختارید

مخبر - اینها ده گمان میکنم رفع تکرانی شمارا بکند برای اینکه بوسیله کدخدایان در تمام نقاط باطلاع عموم در تمام قراء و دهات خواهد رسید
رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای فولادوند را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. پیشنهادی از آقای فیروزآبادی رسیده است قرائت میشود در ماده چهارم در قسمت سه و چهار پیشنهاد میکنم که لفظ بدون آفت حذف شود
رئیس - بفرمائید.

فیروزآبادی - اینجا اولاً يك توضیحی عرض کنم که شاید در این جا مذاکره میشود که از صدتا باید سه تاو نیم بدولت بدهد محض توضیح عرض میکنم که مالک وقتی حق گاو بند و رعیت و سایر مخارج را بردارد از صدتا منتها بیست بیست و پنج قسمت باقی میماند نود و شش قسمت و نیم باقی میماند این را اولاً محض توضیح عرض کنم که مالکین این قدر نمیبرند. ثانیاً در این جا در ماده چهار نوشته است در قسمت چهارم و پنجم باید عایدی سه سال بدن آفت را در اظهارنامه اظهار کنند خوب برای چیست؟ یعنی اگر آفت بملک برسد و بگلی بعد ها زراعت او معدوم بشود باید او مالیات بدون آفت را بدهد پس سه سالی که آفت داشته باشد یا نداشته باشد روی هم باشد بدون آفت اظهارنامه ندهد. چرا بعد هم که آفت به زراعتش برسد باز هم مالیات بدهد و این را هم عرض کنم که خیال نکنند که گاو مالک نود و شش و نیم می آید حق گاو بند حق رعیت حق بذر حق نجار حق جداد و خرمن و اینها که در برود از صدتا بخت بیست و پنج تا برای مالک باقی میماند و اگر بنا باشد در سال آفتی باز هم مالیات بدهد خوب این دیگر نمی تواند زراعت کند

پس این لفظ بدون آفت را حذف کنند خوب همین سه سال آفت زده بود به بختش آفت زده نبود به بختش هر چه بود بدهد و آفت سه سال اگر دو سال آفت زده بود و يك سال آفت زده بود هر سه سال را بدون آفت فرض کنند و مالیات از او گرفته شود این اسباب ضرر و صدمه به فلاحت و زراعت است و بنده عقیده ندارم

مخبر - در این جا من نمیدانم چه تکرانی دارید سرکار اینجا نوشته است عواید نقدی و جنسی مالک بدون آفت البته وقتی اینجا آفت آمد معلوم است و ارزش مالیات گرفته نمیشود آفت مستثنی است.

فیروزآبادی - اگر این جور باشد بنده پس میکیم همین توضیح کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا قرائت میشود
مخبر - بنده تقاضا میکنم پیشنهادات برود به کمیسیون
رئیس - معهود هم همین بوده است برای این که پیشنهاد آقای فولادوند قابل توجه شد و آن اختلاف نظری هم که آقای باسالی راجع به پیشنهاد آقای غلامحسین میرزا دارند ممکن است در کمیسیون تصحیح بفرمایند. ماده ۵ قرائت میشود:

ماده پنجم - در صورت تخلف مکلفین بدادن اظهارنامه از انجام مقررات ماده فوق تازمان وصول اطلاعات مزبور از طرف آنها علاوه بر مالیات معموله ملک معادل مالیات مزبور اضافه مالیات اخذ خواهد شد

تبصره - در مورد مالکین جزء که در سال کلیه از ده تومان کمتر مالیات میپردازند در صورت تخلف پس از اقباض سه ماه مدت مذکور در ماده ۴ باید دو عشر مالیات معموله سالیانه خود جریمه بدهند و بعدها تا موعد ادای مالیات آینده هر ماه تأخیر يك عشر مالیات بر جریمه اضافه میشود و پس از موعد مالیات آینده سالیانه باید مالیات خود را دو برابر تأدیه نماید

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - موافقم

رئیس - آقای کازرونی.

کازرونی - اگر چه عرض بنده در ضمن پیشنهاداتی که شده و بکمسیون ارجاع میشود تا اندازه ذکر هست لیکن بنده برای مزید وضوح و برای جلب نظر اعضاء محترم کمیسیون مالیه لازم دانستم که این عراض را بکنم. اینجا يك تکلیفی از برای مردم و مالکین است اولاً شخص مکلف باید قبلاً واقف به تکلیف خود باشد کسیکه واقف به تکلیف نیست مکلف نیست پس بایستی اولاً بانها ابلاغ شود که شما مکلف باین تکلیف هستید يك تکلیفی هم از برای مأمورین مالیه است چون در اینجا مأمورین مالیه دارای يك نمایندگانی خواهند بود و آن نمایندگان هم دارای يك نمایندگان دیگری خواهند بود بالاخره دایره وسعت پیدا میکند و درین ایضا البته مردمان مفرض و همهجوری هست ممکن است مردم بیعلم و بی اطلاع و پیخبر از همه چیز و دور از مرکز را دچار يك مشکلاتی بکنند بانها نه اظهارنامه بدهند و نه از تکلیف مطلعشان بکنند و یکمرتبه واردشان کنند در مرحله دادن جریمه بنده خواستم يك پیشنهادی بدهم که در صورتی مکلفین بدادن اظهار نامه باید مجازات شوند که بانها ورقه اظهارنامه داده شده باشد و از شان رسید گرفته باشند که مورد سوء استفاده از طرف مأمورین و نماینده شان در این موضوع نشود حالا شاید جواب داده شود که آقا بطور ممکن است که یکتفر مأمور از طرف دولت خلاف کند و چنین و چنان در حالی که ما میدانیم که اینطور نیست و واقعاً در عمل مردم دچار يك زحمات و مشکلاتی که راهی برای فرار آنها وجود ندارد می شوند باید رفت زیر بار آن تحمیلات و کارهای بد آنها تا واقف شد و بداند که قضیه از چه قرار است این است که بنده میخواهم پیشنهاد بکنم و اگر ممکن است قبول بفرمایند که اظهارنامه بمالکین داده شود و رسید از آنها گرفته شود.

ولیر مالیه - چون سایر آقایان هم می خواهند پیشنهاد بدهند جوابش را قبلاً عرض کنم و حقیقت آن است که این مسئله فرار از جریمه و ارفاق در موضوع

جریمه بجائی رسیده است که اگر دست بزین معاینش این است که جریمه نباشد و قانون بگلی لغو شود. اولاً گفته شده که دولت باید اظهارنامه تهیه کند و نه تنها در هر ولایتی بلکه در هر بلوکی در دسترس مردم گذاشته شود اعلانات لازمه را باید منتشر کند تمام وسایل انجام اظهارنامه را تهیه کند و در ماده ۱۰ گفته شده است که تمام این کارها را بکند علاوه بر این وزارت داخله را هم باید مکلف کند که بوسیله کدخدایان قراء باطلاع مردم برساند. ما قصد نداریم اظهارنامه ب مردم بدهیم بلکه مردم مکلفند بموجب این قانون بپایند اظهارنامه بگیرند و آن را در نزدیکترین محلی که اداره مالیه باشد نسایم نمایند در بلوکات هم اظهارنامه دارد بعد از آن گفته با همه تدابیر و این همه وسایل شاید باز هم مردم يك جایی اطلاع نداشته باشند شاید خورده مالک است این را آقایان در کمیسیون اظهار کردند که خورده مالک است ضعیف است و این ممکن است اطلاع پیدا نکند و وقتی مطلع می شوند باید جریمه بدهند و جریمه راهم نمیروند بگیرند و آن راهم مطلع نمی شوند و وقتی مطلع می شوند که ملکش را میخواهند بفروشد این را هم گفتیم خیلی خوب در باب اشخاص ضعیف و کوچک يك میزانی قرار بگذارند که آن کسیکه مالیاتش تاده تومان است این طور باشد آن راهم بالاخره آقایان گفتند که از ده تومان اگر کمتر است او اصلاً محصولش را بفروشد و املاکش را بفروشد ولی باز تا موعد مالیات آینده جریمه تعلق بگیرد ولی ملکش را ضبط نکنند و از محصولش بردارند حالا باین درجه رسیده حالا بفرمایند اینها را جریمه و مجازاتش را تخفیف بدهند یا بلکه درب خانه اش را هم بزنند و اظهارنامه بدهند و ارزش رسید بگیرند اینجا بجائی میرسد که اجرایش ممکن نیست مقصودتان این است که مأمورین و تحصیلداران بدات نروند یکی از آقایان در کمیسیون اظهار میکرد که اصلاً نمیخواهد اظهارنامه را ببرند آنجا بدهند برای اینکه يك کسی رفته بود ملک ما برای کار دیگری سیصد تومان برای ما تمام شد شمامی خواهید که مردم از دست مأمورین راحت باشند و ما هم نمی گوئیم که اشخاص جابر در بین مأمورین وجود

نداریم ما ابتکار نداریم شما میخواهید نه مأمور بروند نه تحصیلدار و البته ما در نزدیکترین مجلس در دسترس میگذاریم اعلان میکنیم کدخدایان را مجبور میکنیم جا بزنند و باطلاع مالکین جزء برسانند و فقط ملاکین بزرگ هستند و آنها هم یقیناً اطلاع دارند و آنها بعد از ماه چهارم مهلت ندارند فقط خوردیم مالکین که ضعیف هستند بعد از چهار ماه تا موعد مالیات آینده مهلت دارند و بنده گمان میکنم از این کمتر نکنیم و هر قدر باین مجازات و جریمهها دست بزنیم خود قانون از بین میرود در قانون هر قدر اصلاحات لازمه می خواهید بفرمائید و همه جور توضیح و تشریح و ارفاق بکنید ولی جریمه دست نزنید زیرا اصل قانون از بین میرود.

رئیس - آقای فیروز آباهی

فیروز آباهی - مکرر عرض کردم از آنجائیکه همیشه نظر بنده این است که دولت نظر ارفاقی خودش را نسبت بر عایا و زارعین و فلاحین و مالکین که مشغول فلاحت هستند منظور بدارد بانجهت در اینجا می بینم که بقیته بنده این نظر مراعات نشده در مجلس می بینم یک نظر رأفتی پیدا شده است که اگر یک کسی سی دهمه دزدی کند و مال مردم را غارت کند و مال مردم را در پانها تلف کند و ببرد میگویند نباید مجازات سخت شود هر چه بکنند معاف است. اما در دادن مالیات اگر جزئی تخلفی بکنند میگویند ایضا باید معدوم کرد مثلاً اینجا میگویند اگر سر موعد مقرر اظهارنامه نداد و تکلیفش را معین نکرد باید دو برابر مالیات از او گرفته شود این از یک برابرش استکفاف کرد حالا شما میخواهید بواسطه ندانستن یا سایر چیزها این یک برابر را دو برابر کنید عرض کردم بطور میتوان این دو برابر مالیات بدهد مگر اشجور اشخاص را حبس کنید معدوم کنید تا بتوانید چیزی بگریزید بنده باین سختی عقیده ندارم همان نظر قهرمانی که در مجازاتهای دیگر نسبت ب مردم دارید در دادن مالیات هم بطور یک قدری سختگیری ب مردم نکنید در فلاحت بگذارید مردم آزاد باشند حکایت انحصار تریاک نباشد که فلاحت را در واقع از بین ببرد که منحصراً

که بنده توجه مبدهم آقایان را در موقع عمل به آن مسئله این موضوع گرفتن مالیات که اگر مالیات نداد فلان جریمه را دارد خود نفس مالیات یک موضوعی دارد که بنده موافق بودم ولی جریمه نداد فلان جریمه بر او تعلق گیرد یک امر زیادتی است نباید جریمه را مثل اصل مالیات قرار داد نه اینکه در مالیات همان قسمتی که همه جور سختگیری است ما باید نظر داشته باشیم که نسبت بجریمه هم این نظر مراعات شود جریمه این مقام را ندارد آقای وزیر مالیه فرمودند که ما همچو قرار دادیم که اگر نداد باید از دارائی دیگرش اخذ شود این اهتمامات نسبت به مالیات است نسبت بجرایم نیست جریمه مقامش غیر از مالیات است مسلماً در قوانین هم که ما گذرانیم این مطلب مراعات شده چرا بعلمت اینکه این امر عرضی است و در عرض آن مقام نیست حالا آقای وزیر مالیه این طور میفرمائید ولی بنده میدانم در مقابل عمل این جور خواهد شد که این جریمه او بقدری سخت گیری میکنند که از اصل مالیات بدتر خواهد شد از این نقطه نظر بنده توجه مبدهم آقایان را باین تبصره که چه قدر زحمت برای همه تهیه کرده اند اینجا می نویسد در صورت تخلف مکلفین بدادن اظهار نامه از انجام مقررات ماده فوق تا زمان وصول اطلاعات مزبور از آنها علاوه بر مالیات حاکم معادل مالیات مزبور اضافه مالیات اخذ خواهد شد بنده تا این اندازه را شاید بتوانم قبول کنم از جهت اینکه زودتر مردم را عملی کنیم که بروند اظهار نامه بدهند و بدانند که اگر اظهار نامه را ندادند این جریمه را باید بدهند و این خودش یک فایزانه اقدامی است که حتماً این کار را بکنند مسلم است همان طوری که آقای وزیر مالیه فرمودند این نشان را چاپ خواهند کرد و بتوسط کدخدایان و طلبین در تمام قراء و قسبات منتشر میکنند که با ما اگر ندادید مالیات را یک جریمه قرار دادیم که فلان است ولی حالا در هر قسمت جزیش یک جور مالیات ملاحظه کردید و الله با آنکه آقای وزیر مالیه بیان کردند که اصل

مالیات لغو میشود در تبصره می نویسد در مورد مالکین جزو که در سال کلیه از ده تومان مسالیات کمتر میبردارند در صورت تخلف پس از انقضای سه ماه مذکور در ماده چهار باید دو عشر (دو عشر دو تومان میشود) مالیات معموه سالیانه خود جریمه بدهد و بعد ها (تا زمانی که زنده است) تا موعد آدای مالیات آبنده بهر ماه تأخیر یک عشر مالیات بر جریمه اضافه میشود (اینجا مضاعفش کردید یعنی اینرا در آن ارغام کردن مضاعف شد) و پس از موعد مالیات آبنده سالیانه باید مالیات خود را دو برابر تأدیه نماید حالا ملاحظه بفرمائید این سخت گیری برای چه (کازرونی - ورقه افلاص بدهد) آن ماده که دولت داشت بهتر بود حالا برای هر ماهش برای هر سالش یک جریمه قرار داده اند اگر نظر ارفاقی نسبت ب مالیات دهندگان بود این که خیلی سخت گیری است و من نفهمیدم به بیند آقای یاسائی سرش را حرکت میدهد بنده که از این عبارت فارسی چیزی نفهمیدم این خیلی سخت است حالا توضیح بدهند بنده نظرم این است که دولت پیشنهاد کرده بود که تا وصول اطلاعات که اینها بروند اطلاعات را بدهند آن بهتر از این است که دائمی تا عمر دارد این مالیات را بدهد مجازاتش این است که دائماً هر سال و هر ماه باید این مالیات را بدهد این است عقیده بنده.

وزیر مالیه - باز این فرمایشی که آقا فرمودند قبل از اینکه توضیحش را عرض کنم خواهند فرمود پس اگر اینطور میشود قبول دارم آن را هم عرض میکنم که اظهارنامه اش را که بدهد این قسمت ساقط میشود این را دولت پیشنهاد نکرده است این را آقایان در کمیسیون از راه ارفاق آورده اند و گفتند بعد از چهار ماه که گذشت مالکین بزرگ یک ماه که گذشت اگر تأخیر میکنند این قدر جریمه بدهند جو ماه که کمیتر نیم عشر سه ماه فلان چهار ماه که گذشت بعد از چهار ماه دیگر اجازه تأخیر ندادند اولو بجریمه بدهند اجازه تأخیر

ندادند گفتند از محصول ملك و دارائیش باید برداشت ولی برای مالکین جزء و خرده مالك خواستند ارفاق بکنند آقایان گفتند که يك کاری بکنند که اینها روزنامه خوان نیستند، اطلاعات ندارند گفتیم خوب سه ماه مطلع میشوند از این اطلاعات و جازدهنها که مطلع میشوند گفتند باز هم مطلع نمی شوند آنوقت جریمه تعلق میگیرد و هر ماه دو عشر مالیات معموله سالیانه جریمه گرفته می شود باز هم گفتند که اگر ما مور هم برورد محصولش را بخواهد بفروشد مطلع نمی شوند و هر جور جریمه را سنگین قرار میدهید بدهید ولی محصولش را بفروش نرود و دارائیش را دست نزنند این طور کردیم که بعد از آنکه آن مدت گذشت يك عشر جریمه بشود تا موعد پرداخت مالیات سال آینده آنوقت بعد از رسیدن محصول سال آینده مالیات چقدر میشود؟ (بعضی از نمایندگان - دو برابر) صحیح است و این در صورتی است که ندهد و اشتباه نکنید که يك آدمی باشد اولاً در این سه ماه اظهار نامه ندهد بعد از گذشتن یکماه که دو عشر جریمه شد باز هم نمیدهد باز ماه دوم دو عشر جریمه شد باز هم ندهد و آن مالکی است که تا الی ماشاء الله نمیخواهد بدهد اگر کسی است که اصلاً نمیخواهد بدهد خوب در برابر ارزش مالیات خواهند گرفت و اینطور اینجا پیش بینی شده و آقای فیروزآبادی توجه فرمودند و باز هم فرمودند که امسال باید بدهد یا هر سال خیر اگر دو ماه دیگر بدهد موقوف میشود از جریمه و از گردش ساقط میشود مقصود این نیست که چیزی دائماً بالای سرش باشد این جریمه را میدهد تا وقتی که اظهار نامه نداده است و هر وقت که داد این جریمه ساقط میشود. مقصود اینست

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - اینکه آقای تقی زاده فرمودند اساس خوبی است اما قانون اینطور نیست پس شما این را اصلاح بکنید که تا رسیدن اطلاعات و یا

رسیدن اظهار نامه اش و در تبصره هم هیچ چیز چیزی نیست که تا رسیدن اظهار نامه اش خوب است اصلاح بفرمائید

رئیس - بنده خیال کردم که میخواهید پیشنهادتان را استرداد کنید و الا مجال در اینموقع برای نطق نداشتید آقایانیکه پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای وثوق قرائت میشود:

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت عظمته در آخر ماده پنج بنده پیشنهاد میکنم جمله آخر ماده این قسم اصلاح شود اضافه مالیات فقط يك دفعه اخذ خواهد شد.

رئیس - آقای وثوق

وثوق - بنده قبل از این که این توضیح را عرض کنم توجه میدهم آقای آقا سید یعقوب را که فرمایشی که فرمودید راجع به این تبصره آقای باستانی آنروز تشریف آوردند کیسیون و همی بودند و خواهش کردیم از آقای وزیر مالیه که با این تبصره موافقت کردند و حضرتعالی تشریف آوردید و مخالفت کردید و کاملاً هم شدید بود مجازات و حالا هم میفرمائید که باید حتماً اینکه مالکین که خیلی هم زیاد هستند و بیچاره ها هم زیادتر از همه مالیات میدهند حتماً باید ده تومان را بیست تومان بدهند و اما راجع به پیشنهاد خود بنده در ماده میزویسد که علاوه بر مالیات معموله ملك معادل مالیات مذکور اضافه مالیات اخذ خواهد شد بنده پیشنهاد کردم که برای یکدفعه اخذ شود چون ممکن است برای بعضی از مالکین يك ترتیبی پیش بیاید که نتوانند حقیقتاً تا يك مدتی که یکسال هم باشد اظهار نامه بدهند يك پیره زنی است در يك جهانی يك ملكی دارد که نمیتواند اطلاع پیدا کند و اظهار نامه بدهد يك مرتبه بیشتر این جرم را از او اخذ نکنند و عوض این که هر دفعه که

اظهار نامه را نداد يك جریمه بدهد نوشته شود که اگر بعد از گذشتن سه ماه اظهار نامه نداد يك مرتبه از او جریمه اخذ شود.

آقا سید یعقوب - اینطور نیست. خواب هستی؟؟

وزیر مالیه - اگر کسی اظهار نامه را در موعدش نداد و بعد از دو ماه سه ماه تا یکسال هم ندهد مالیات معموله اش طوری است که اگر دو برابر مالیات معموله را هم بدهد باز لابد بهتر از این میدانند که اظهار نامه بدهد و الا چطور میشود که يك آدمی دو سال سه سال مکرر بهش گفته شود و اظهار نامه ندهد پس باید اینطور باشد که اقلاتاً وقتی که اظهار نامه را نداده است (ده سال هم اگر نداد) دو برابر اخذ شود و این چیزی است که در اختیار خودش است هر روز بدهد ساقط میشود اینجا گفته نشده است که اگر از این آدم خلافی ظاهر شد و اظهار نامه نداد بعد از دادن اظهار نامه هم مادام العمر باید این اضافه را بدهد خیر در اختیار خودش است و گمان نمیکنم که کسی پیدا شود که بعد از این ترتیبات اظهار نامه را ندهد مگر همانطور که عرض کردم که کسی باشد که مالیاتش طوری است که سه چهار برابر مالیات و جریمه است این است که راضی است دو برابر بدهد و اگر اینطور قرار بدهیم مقصود از میان میرود

وثوق - بنده مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد اخیر مال آقای فیروزآبادی قرائت می شود:

در ماده پنج بنده پیشنهاد میکنم در عوض معادل مالیات نوشته شود دو عشر اضافه فقط در يك سال گرفته میشود.

رئیس - آقای فیروزآبادی

فیروزآبادی - بنده اینجا دو اشکال داشتم که اگر آمد هر وقت داد همین یکسال بیشتر گرفته نشود آن اشکال من در ضمن فرمایشات آقای وزیر مالیه رفع شد اما اشکال دیگری که دارم این است که

اضافه مالیات دو برابر که یکی دو مقابل شده این دو برابر شدن خیلی اسباب اشکال است يك جوری بکنند که فردا آن ارباب ملك این در و آن در نیفتد و بوساطت و وسائل نیفتد خوب دو عشر معین کنند که برای مردم اسباب زحمت نشود و بدولت هم در این صورت صدمه نیخورد سال دیگر هم دو عشر بدهد این دو مقابل زیاد است و پیشنهاد کردم که دو عشر اضافه بکنند يك خمس اضافه گرفته شود و بنده مکرر عرض کردم که با اصل مالیات مخالف هستم ولی حالا که نمیشود هر چه کمتر بهتر و عقیده ندارم که مضاعف شود و امید وارم انشاء الله دولت در نظر بگیرد که بعد از این عبادتشان را از معادن و کارخانجات تحصیل کند

مخبر - اگر این پیشنهاد را قبول کنیم بعقیده بنده هیچکس حاضر نخواهد شد که مالیات بدهد و این اظهار نامه را تهیه کند و بدهد و يك لطمه خواهد خورد بعایدات دولت و مالیه.

رئیس - آقایان که پیشنهاد آقای فیروزآبادی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(دو سه نفر برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد - رای میگیریم به ماده پنجم موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ششم قرائت میشود

ماده ششم - در صورتیکه میزان محصول املاک و با عایدات مالکین آنها که در اظهار نامها درج شده مورد تردید امنای مالیه واقع شود تشخیص عایدات حقیقی بتصدیق خبره مرضی الطرفین یا دو خبره از طرفین بعمل خواهد آمد و چنانچه بین خبره ها توافق حاصل نشده نفر خبره از معتمدین محل از طرف اداره مالیه پیشنهاد و مالک یا نماینده او یکی از آنها را انتخاب خواهد نمود و رأی سه نفر خبره مزبور با کثرت قاطع خواهد بود در صورتیکه دهنده اظهار نامه در تعیین خبره بیش از یکگفته پس از تقاضای اداره مالیه مسامحه کند خود اداره مالیه

اقدام بتشخیص عواید حقیقی ملک و مالک خواهد نمود و در اینصورت مخارج مأمورین اعزامی از طرف مالیه از اظهار نامه دهنده اخذ خواهد شد.

تبصره - بجز در املاک ممیزی شده که ممیزی آنها مورد اعتراض دولت و مالک واقع نشود مادامیکه دولت بخرج خود ممیزی جدید نکرده مالیات جدید را بر طبق اظهار نامه مذکور در فوق را اخذ خواهد کرد.

رئیس - (را) در این عبارت زائد است باید حذف شود.

مؤید احمدی - در فوق را.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا ایرادی که بنظر بنده میرسد در ضمن يك پیشنهاد خدمت آقای وزیر مالیه عرض کردم و اگر آقای وزیر مالیه موافقت در این مسئله نکند در کیسیون ناچارم اینجا عرض کنم که مطلب معین شود حالا هر کس که مالک است میدانند مالک نسبت بملك خودش آن چیزی که نسبت به خودش است خودش میداند اما نسبت به آن چیزی که رعیتش دارد چطور می تواند تعیین کند حسب المقاطعه همه ماها داریم بنده ملك خودم را میگویم که صد خروار گندم به بنده میدهد مابقی مال خود او است، جو، گاه، علف، یونجه همه مال خود او است حسب المقاطعه همه دارند هیچیک از ماها مالکین نیامدند بفهمند که چقدر مال خودشان است و چقدر مال رعیت است (ملك آرائی - مخصوصاً صفی) مخصوصاً بقول آقا در صیفی صیفی را هیچ نمیتواند بگوید که من از هر يك جریب زمین چقدر میگیرم يك طور معمول است که مثلاً از هر جفت گاو يك تومان میگیرد دیگر این نمیدانند که صیفی را چه جور میکارند این را نمیدانند و حال آنکه این هم جزء محصول است بنده چه جور میتوانم محصول رعیت را تعیین کنم آن چیزی که رعیت دارد کجا میتوانم معین کنم؟ و این جا بعد از آنکه مکلف شدم که محصول معین کنم بعد مورد تردید امین مالیه واقع شد آنوقت رجوع به ممیز میکنند اگر تخلف شد آن عقاب و آن مجازات را میکنند عرض میکنم

که تکلیف را نسبت به عالم باید کرد و آن کسی که عالم دارد «ماکنا معذین حتی نبعث رسولاً» ما نمیتوانیم يك کسی را که جاهل به يك موضوعی است او را مجازات کنیم این راجع به اصل اساس است که به آقای وزیر مالیه عرض کردم که مالک نسبت به آن محصول خود مکلف است اما نسبت بر رعیتش نمیتواند معین کند رعیت آقا احتشام دارد میچرد در دشت من چه میدانم عواید او چقدر است این است که در این جا پیشنهاد کردم نسبت بملك صحیح اینجا هم حالا عرض میکنم ماده شش - در صورتیکه عایدات مالکین میزان محصول املاک و عایدات مالکین صحیح ولی محصول املاک نسبت بر رعیت نمیشود حالا اگر قبول بفرمائید عبارت این جور شود در صورتی که میزان عایدات مالکین یا میزان محصول املاک نسبت بملك اگر اختلاف شد مابین امین مالیه با آن اظهارنامه که داده است آنوقت میتواند رجوع کنند باین طریق که معین شده است اما اگر بطور مطلق باشد و عوائد رعیت و محصول رعیت را بخواهید معین کنید این مشکل است این اولاً. ثانیاً در عبارت آقای تقی زاده میداند که بنده کاملاً متوجه کلمات هستم و در موقع عمل همین کلمات چقدر در تشخیص عایدات اشکال تولید میکند امین مالیه کجا میداند عایدات حقیقی این است تا اینکه محل تردید واقع شود من که مالک هستم و اظهارنامه داده ام و امین مالیه میگوید این اظهارنامه حقیقی نیست از کجا میدانند این حقیقی نیست حقیقی بودن آن با اعتبار بعد معین شدن است که خبره معین کردن و تعیین شدن و روانه کردن مأمور است شما که میخواهید مأمور را روانه کنید بنده نظرم این است که با آن نظر ارفاقی که اعضاء کمیسیون در نظر گرفته بودند که مأمورین مالیه کمتر بروند این درست نمیشود این نظر بنده بود يك موضوع دیگری در کمیسیون آقای تقی زاده اظهار کردند که اطلاع دارم که بعد از اینکه معلوم شد و میدانیم که مأمورین در ولایات نسبت به مردم چه میکنند هنوز مأمورین دولت خیال میکنند که مأمورین يك دولت قاهری هستند نسبت به يك مظلومی و يك جائی را به قهر و غلبه فتح کرده اند چون این جور است ناچارم بقدر امکان روابط بااصل وزارتخانه باشد و روابط با مأمورین قطع

شود از این نقطه نظر این اصلاحاتی بود که در شور اول هم کرده بودم و آن این بود که در این جا آمدید پنج نفر خبره را باز بنظر امین مالیه معین کرده اید امین مالیه پنج نفر را معین میکند آنوقت مکلف کردید آن اظهار دهنده را که يك نفر از آن پنج نفر را معین کند بنده عقیده ام این است که اقرب به تساوی و عدالت این است که سه نفر این معین بکنند و سه نفر او بنده عراضم در شور اول این بود و عرض کردم و حالا هم عرض کردم

رئیس - آقای ملک.

ملك مدنی - اظهارات آقای آقا سید یعقوب تماماً مربوط به ماده چهار بود (آقا سید یعقوب - میزان محصول مربوط به این ماده بود) این جا طرز رفع اختلاف که در دادن صورت پیش می آید معلوم شده میگوید اگر اختلاف شد بین مالک و امین مالیه در آن صورتی و اظهار نامه که داده است باین شکل که در این ماده نوشته شده باید رسیدگی شود و رفع اختلاف شود این نظر حضرتعالی را بعضی از آقایان دیگر هم داشته اند که مالک نمیتواند معین کند که عایدات تمام ملك چقدر است که سهم زارع را هم معین کند این يك موضوعی است که در ماده چهار باصطلاح محل نظر واقع شده و در ماده چهار اظهاراتی شد و ماده چهار آمده است به کمیسیون مطابق پیشنهاداتی که ارجاع شد به کمیسیون امروز عصر کمیسیون مالیه هست خود حضرتعالی هم میتوانید تشریف بیاورید صحبت کنید اگر نظرتان وارد بود اصلاح میکنیم این ماده راجع باختلافی است که مابین مالک و امین مالیه پیش می آید و بعقیده بنده بهترین مواد این لایحه این ماده شش است برای این که در قسمت همان خالی که خود حضرتعالی قائل هستید ممکن است يك وقت امین مالیه به آن هم اعتراضی کند که این صورتی که داده اید کم است و يك مرجع رفع اختلاف و رسیدگی باید باشد این جا ما آمدیم در کمیسیون این قسمت را در نظر گرفتیم و اظهارات حضرتعالی مربوط به ماده چهار است که با پیشنهادات ارجاع بکمیسیون

شده است و این ماده بهیچوجه بعقیده بنده مورد تکرانی ندارد بلکه بسیار مفید است زیرا که در آن قانون ممیزی هم که سابقاً از مجلس گذشته است همینطور قسمتی برای رفع اختلاف معین شده است بطور حکمت این هم ماده همان قانون است منتهی این جا بيك صورت دیگر که بهتر است در نظر گرفته شده است.

رئیس - آقای فیروز آبادی که تشریف ندارند. آقای یاسائی.

یاسائی - موافقم.

رئیس - آقای اورنگ.

اورنگ - موافقم.

بعضی از نمایندگان - کافی است مذاکرات رئیس - پیشنهاد آقای احتشام زاده قرائت میشود: یا دو خبره (از طرفین) نوشته شود بخرج دولت. رئیس - آقای احتشام زاده.

احتشام زاده - مطابق ماده شش به مأمورین وزارت مالیه حق داده ایم که اگر چنانچه اظهارنامه که مالکین میدهند مورد تردیدشان واقع شود حق داشته باشد که رسیدگی کند و راهی داشته باشد که خبره هائی معین کند چون این تردید از طرف دولت بعمل می آید به عقیده بنده باید مخارج خبره هائی که معین میکنند دولت باید بپردازد و در قسمت اخیر ماده هم مخصوصاً این قسمت را قید کند که چنانچه مالک استنکاف بکنند از این که بیاید و خبره را معین بکند اداره مالیه اقدام به تشخیص عوائد حقیقی ملک و مالک خواهد نمود و در این صورت بخرج مالک خواهد بود و اگر تردید کردند همانطور که مالک مجبور است که خبره ها را معین کند و مطابق ماده قبل هم اظهارنامه داده است در این صورت خبره هائی که دولت معین میکند بخرج کی خواهد بود؟ گرچه در آخر ماده نوشته است که در این صورت نرخ مالک ممیزی خواهد شد ولی معلوم است که در شق اول که مالک استنکاف نکرده است و خواه دولت تردید دارد

بخرج مالك نيست ولي چون تصريح نكرده است خواستم اين جا تصريح شود كه بخرج دولت تشخيص ميشود كه اشكالي نباشد اين است كه اين پيشنهاد را كردم و تصور ميكند اشكالي نداشته باشد كه تكليف مخارج آنها در شق اول معلوم شود .

وزير ماليه - آقا او ماليات بده است و دولت ماليات بگير وقتي كه اختلاف پيدا كردند و بايد به خبره رجوع شود اولاً خبره چيزي نيست كه مستلزم مخارج باشد در هر محلي در هر بلوكي يك اشخاصي اهل خبره هستند كه معين ميشوند و اين كار را ميكند البته وقتي كه اختلاف شد نميشود گفت كه تمام مخارج را ماليات دهنده بايد بدهد ولي چون اين يك مفري است كه براي آن ماليات دهنده گذاشته شده است زيرا كه وصول ماليات هم جزء اعمال حاكميت دولت است خود دولت ميرود معين ميكند ما اين حق را داديم كه اگر دولت ترديد کرده در يك موردی آنوقت رجوع به خبره ميكند آنوقت دليل ندارد كه شما را كه ساليها سال از يك زحمتي راحت ميكند دولت مخارجش را بدهد اگر معلوم شود كه خبره ها بضرر دولت رأي داده اند يعني تصديق كردند كه اظهار نامه سركار صحيح است خيلي ممكن است و ممكن است در خيلي از موارد اين طور باشد و آن كه آخر ماده نوشته شده است آن راجع بموضوعي است كه دولت خبره را معين ميكند و تكليف كند به مالكين كه خبره را معين كند اگر از يك جهتي خواست فرار كند حق در تعيين خبره و مسامحه كرد آن جا گفته شده است كه چاره نيست دولت آنوقت مامور ميفرستد و مميزي ميكند و خرجش را هم ميكيرد براي اين كه خبره اش را معين نكرده است كه تكليف وصول ماليات معين شود

رئيس - موافقين با قابل توجه بودن پيشنهاد آقاى احتشام زاده قيام فرمايند .

(چند نفرى بر خاستند)

رئيس - قابل توجه نشد . پيشنهادى از آقاى اورنگ رسيده است قرأت ميشود :

پيشنهاد ميكند در ماده شش نوشته شود در تعيين عايدات سهم مالك اظهار كننده كه مكلف است صحيحاً تعين نمايد .

رئيس - آقاى اورنگ .

اورنگ - عرض كنم كه بنده يك عذري از طرف آقاى آف سيد يعقوب آفانست به آقاى ملك مدنى ميخواهم و آن اين است كه آقاى ملك ميفرمايند كه مورد اين صحبت در ماده چهار بود يعنى مثل اين است كه اگر كسى نماز صبح نخوانده است گفته شود كه ديگر نبايد بخواند چون موعد و وقت آن گذشته حالا عرض ميكند در ماده شش دارد: در صورتيكه ميزان محصول املاك و باعايدات مالكين آنها كه در اظهارنامه درج شده مورد ترديد امنای ماليه واقع شود در تمام ايران (آقاى ملك مدنى را اگر فارغ بگذرانند كه براض بنده توجه بفرمايند مفيدتر است بحال افراد ايرانها) آن مقدار اراضى كه در آن كنند و جو كاشته مى شود يك طرز تقسيم معينى دارد كه به پنج چيز سهم ميرسد پنج قسمت است و پنج چيز سهم دارد يك سهم سهم زمين است يك سهم به آب ميرسد يك سهم بكار ميرسد يك سهم به بذر و يك سهم به بن ميرسد آنوقت هر مالك و رعيتي اين پنج سهم را دارد كه بر حسب آن اسهام خودشان بهره بربيدارند اگر يك رعيتي گاو داشت تن هم از خودش داشت بذر هم داشت سه سهم از محصول برميدارد و آن وقت مالك دو سهم برميدارد در بعضى از قاطرعايا تن دارند و گاو دارند آنجاها دو سهم ميرند در ديم اين جور نيست چون آنجا آب نيسد در ولايات مختلف طرز سهم بردارى بين مالك و رعيت يك نواخت نيست خود حضرت مستطاب عالي در صفحات خودتان ملاحظه كنيد كه چه قسم عمل ميكند . با وجود اين ترتيبات و وضعيات كه ملاحظه مى فرمائيد شايد يك اربابي بتواند بگويد كه سهم اينجا چقدر است و به اين نسبت سهم حقيقي اين ملك يعنى ميزان عايدى اين ملك چه اندازه است بالاخره در تمام ايران وضع جنس بين مالك و رعيت معين نيست الا آن در ملاير خودتان بنده وارد شدم همين نزاع بود بين مالكين كه ميخواهند رعايا طنابي

را كه آنها انگور ميکارند يعنى هر جريبي كه انگور ميکارند جريبي هشت قران بعضى جاها دوازده قران بمالك بدهند اما حالا خود رعيت حقيقتاً چقدر انگور از يك جريب زمين ميرد كسى نميداند مالك هم نمى داند بعضى ميگويند هشت تومان بعضى ها ميگويند ده تومان بعضى ها ميگويند جريبي كه خوب بدهد بيست تومان و بالاخره يك اندازه معينى كه واقعاً خود مالكين بفهمند در دست نيست در صورتيكه منفعتشان در اين است كه واقعاً بفهمد زيرا وقتي بفهمند از رعيتشان پول ميخواهند بگيرند حالا من مالك ملكم و اظهارنامه به ماليه بايد بدهم من معين ميكند كه پنجاه خروار محصول اين ده سهم من است اما چهار صد خروار هم سهم رعيت است اگر هم خلاف معين كنم كه جريمه رامن من بايد بدهم دقت بفرمائيد در اين عرض بنده حضرت آقاى وزير محترم ماليه تشريف دارند رسيدگي بفرمائيد اگر واقعاً اينطور است كه در اينجا اين كلمه را اين طور بگذرانند كه ارباب مسئول آن سهمى است كه به خودش ميرسد اگر در آن سهم دروغ گفت يك دفعه جريمه ندهد صد مرتبه جريمه بدهد اما شما در مسئله صفي ارباب را ميخواهيد مسئول صحت و سقم قرار دهيد اين ارباب مادر مرده مال خودش را نميتواند تحقيق كند رعيت راستش را باو نميگويد تاچه رسد در اينجا شما بخواهيد او را مسئول صحت سهمى رعيت هم بدانيد اگر چنانچه درست هم اظهار نكرد كه گريانش كير جريمه است اين يكى را شما اصلاح كنيد و اين راهم كه فرموديد بايد در ماده چهار گفته شود و مانگفتيم توبه ميكيم انا به ميكيم هر چه بگويد ميكيم .

وزير ماليه - با همه اين فرمايشاني كه فرموديد موقع اين مطلب در اينجا نبوده است و در ماده چهارم و هفتم است ولي معذرت بايد عرض كنم كه اين اعتبارنامه كه از طرف مالك داده مى شود و در ضمن اين قانون فرار داده مى شود همماش منحصر بماليات نيست سابقاً براي اين كار چندين دفعه مبادرت شده است مجلس اول شروع كردند و اظهارنامه خيلي مفصلي كه حتى عدل قوسى را هم در آن افزوده بودند چند گاو دارد در فلان قهر چه دارد و اينها براي اينكه يك اساسى

صحيحى در مملكت نبوده و نيست حتى جزو جمع هم كه ما ميگويم آنها يك ترتيب معينى ندارد اگر مميزي را در تمام مملكت درست ميکردند آنوقت يك ترتيب صحيحى بدست ميايد لهذا از يكطرف بدست آوردن اطلاعات خيلى ضرورى و از يكطرف سنگين نكردن بار اظهار كننده آمده است و البته هر چه زائد بوده است اينجا نوشته شده است و اطلاعات خيلى لازم نبوده است حذف شده و چيزهائى هم كه خيلى لازم نبوده است حذف کرده ايم ولي آنچه هائى را كه دولت لازم دانسته است كه حتماً بايد بدانند يكى اين است كه دولت بايد ميزان محصول را بداند حالا در ميزان محصول و عايدى فرقى هست ما اين را هم پيش بيني كسرديم و جريمه و مجازاتي هم كه معين شده است غير از آن است راى اينكه گفته مى شود كه در عايدى اگر يك عشرش را هم خطا گفت جريمه ندارد ولي در محصول اگر دو عشرش را خطا گفت جريمه بهش تعلق نميگيرد مثلاً اگر صد خروار محصول داشت هشتاد و يك خروار هم گفت اين جريمه ندارد حتى اگر هشتاد خروار هم گفت باز جريمه ندارد ولي اگر كمتر گفت مطابق اين ماده جريمه بهش تعلق ميگيرد از آنطرف دولت يا كدخدا يارئيس ماليه يا حاكم كدام يك از اينها كه بهتر ميتوانند بالاخره ما ميخواهيم محصول را بفهميم بنا بر اين از همه بهتر كسى كه دسترس دارد و ميتواند بفهمد باز مالك است اين است كه اين را به بعد مالك گذارده اند و از آنطرف هم گفته اند كه تا دوعشر معاف است كه جريمه بهش تعلق نميگيرد بعد از آنكه از دو عشر كمتر شد نوشته بوديم پنج برابر مابه التفاوت دارد و درين خصوص در كميسيون يكساعت مذاكره و مباحثه شد سه برابر و بالاخره دو برابر كرديم و خيلى هم تخفيف داديم و بالاخره غير از اين باشد ديگر جزو نصايح مى شود و فايده ندارد بدين جهت يك نهجوى بايد ميزان محصولش را دست آورد و البته وقتيكه بتوسط رعايا و مالكين بايد بدست بياورد و ممكن است اينها يك تخلفاتي بكنند و عايدات را غير از آنچه هست صورت بدهند بنا بر اين اين شرط لازم است و ممكن است آقا باز اگر مطلبى داشته باشند در ماده هفت پيشنهاد بفرمائيد

اورنگ - بنده نظر باینکه آقای وزیر مالیه بحالی برای پیشنهاد بنده در ماده هفت باقی گذارند فعلا پیشنهاد خود را استرداد میکنم
رئیس - (خطاب آقای آقا سید یعقوب) شاهم میگذارید برای ماده ۷؟ (بی)

پیشنهاد آقای مسعود

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد میکنم در ذیل ماده ۶ اضافه شود وزارت مالیه مکلف است در ظرف دو ماه با قبول خودش را راجع بمندرجات اظهار نامه تسلیم شده بمالك ابلاغ نماید و در صورت مسامحه مندرجات اظهار نامه برای طرفین قطعی خواهد بود
غلامحسین میرزا مسعود - بنده اشکالی در مدت ندارم چهار ماه هم باشد اهمیت نمیدهم ولی بالاخره باید بمدت از این مدت که اظهار نامه داده تکلیفش با وزارت مالیه معلوم شود اگر حقیقه اظهار نامه او قبول است که تکلیفش معلوم شود چون حالا معمول این است که تمام اظهار نامه ها جمع میشود و جواب رد یا قبول داده نمیشود حالا اگر میفرمائید

کم است سه ماه یا چهار ماه مدت معلوم شود

وزیر مالیه - این فرمایش آقای صحیح است و باید مدتی داشته باشد و بطور نا محدود و نامتناهی نمیشود که هر وقت امین مالیه دلش خواست مثلاً بعد از سه سال خیر اینطور که نیست ولی دو ماه هم خیلی کم است و تأثیری ندارد و باید تا دو ماه یا سه ماه قبل از موعد مالیات آینده معین کنیم بنا بر این اگر شش ماه باشد بهتر است.

غلامحسین میرزا - بنده هم با شما موافقم

رئیس - آقای مخبر هم قبول میکنند

مخبر - بی

پیشنهاد آقای فرشی

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکتی این بنده پیشنهاد می کنم ماده ۶ اینطور اصلاح شود در صورتیکه محصول املاک و عایدات آنها الی آخر ماده **فرشی** - این قانون در تمام مملکت اجرا خواهد

شد ممکن است در بعضی از نقاط اشکالاتی تولید کند از آن جمله در آذربایجان مخصوصاً ولایت مرند املاکی که در آنجا است از باغات در آنجا ابتدا به ارباب چیزی نمیدهند حالا چطور شده است بنده نمیدانم ممکن است يك وقت ملاکین گفته باشند باغ آباد کنید برای خود تان بالاخره ابتدا بمالك چیزی نمی دهند این ماده آنوقت شامل میکند همه ایرانیها را اگر (یا) را بر ندارند آنوقت مالکین آن دهات مجبور خواهند شد که عایدات باغات رعایا را که هیچ چیز باها نمیدهند معین کنند اگر نکنند موجب جریمه خواهد شد این را بنده غیر عملی میدانم که در آنجا هائی که مالک اصلاً از باغات چیزی ندارد موجب مسئولیتی باشد و جریمه هم شود این بود که بنده در اینجا پیشنهاد کردم که کله لفظ از این ماده برداشته شود و اینطور اصلاح شود در صورتیکه محصول املاک و عایدات مالکین الی آخر و اگر (یا) در این جا باشد محذور تولید میکند.

مخبر - همینطور که میفرمائید در مرند اینطور معمول است اما در جاهای دیگر که این ترتیب معمول نیست و البته آقا هم نگران نباشید برای اینکه آن امین مالیه که در آنجا هست مطلع از این ترتیبات است و راپرت میدهد.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای فرشی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد (خطاب به آقای غلامحسین میرزا) بالاخره اصلاح پیشنهاد شما هم در کمیسیون خواهد شد اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده فردا سه ساعت قبل از ظهر ولی خاطر آقایان آگاه است که ما یکشنبه و دو شنبه و سه شنبه سه روز بیشتر جلسه نداریم اظهار رغبتی هم بجلسات عصر نشد و عملاً تردید شد که عصر جلسه شود بنده تمنا میکنم این سه روز را آقایان موافقت فرمایند که اول ساعت جلسه تشکیل شود که ما اقل سه ساعت کار کرده باشیم که در روزمره

۹ ساعت می شود (نمایندهکان - صحیح است) آقای وزیر مالیه

(۳ - معافیت گمرکی ااثیه ایرانیان بی بضاعت در موقع بازگشت به ایران)

وزیر مالیه - آقایان تأمل فرمایند باندازه يك نایبه بنده يك لایحه دارم بمجلس تقدیم میکنم که بقین قطعی دارم آقایان در يك دقیقه رای خواهند داد عرض میکنم رعایای ایران که از خارجه بر میگردند بعضی هاشان فوق العاده بی چیز میباشند بطوریکه لباس و بعضی چیز هائی که همراه دارند نمیتوانند گمرک آنها را بپردازند لهذا ماده واحده تهیه شده است برای معافیت ااثیه این قبیل اشخاص از تادیه حقوق گمرکی که بقید دو فوریت تقدیم می کنم

رئیس - قرائت میشود

(بشرح ذیل قرائت شد)

ساجت محترم مجلس شورای ملی

نظر بانقضای فراهم نبودن هر گونه وسائل برای تسهیل معاودت ایرانیان که سابقا بخارجه مهاجرت نموده اند مستدعی است پیشنهاد ذیل را که بقید دو فوریت تقدیم میشود تصویب فرمایند

ماده واحده - ملبوس و رخوت زیر لباس ملافه - رو میزی و ااثیه از هر قبیل آلات و ادوات کار که مستعمل باشد حیوانات بار کس و زراعت که اتباع بی بضاعت ایران در موقع بازگشت بوطن خود همراه میاورند از حقوق گمرکی و تا کس راه معاف است مشروط بر اینکه اشیاء و ادوات مزبور را نتوان بمنزله اجناس و اموال تجارتنی تلقی نمود

کازرونی - بنده مخالفم. عرض میکنم لباس و ااثیه و چیز های کهنه

بعضی از نمایندگان - دلیل مخالفت فوریت را بگوئید
کازرونی - با فوریت موافقم

رئیس - رای می گیریم بفوریت اول موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس تصویب شد. فوریت دوم مطرح است مخالفی ندارد؟ (گفتند خیر) رای میگیریم بفوریت ثانی موافقین قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده واحده مطرح است. یکبار دیگر قرائت میشود (مجددا خوانده شد)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای تقی زاده توجه دارند حقیقه چیز غربی است تا بحال ملبوس گمرک نداشت بخصوص که ملبوس کهنه هم باشد بنده نمیدانم مگر کسی از ایران خارج میشود باید برهنه برود اگر میاید باید برهنه بیاید برای اینکه ما قانون گمرکی را که گذرانیدیم نسبت به ملبوس هیچ گمرکی نبود نسبت به آن عوامل من حقیقه شکر گذاری میکنم از آقای وزیر مالیه که يك ارفاقاتی نسبت بمهاجرین ما میکنند اما ملبوس در جزء نبود و این اسباب میشود که ملبوس را هم در اینجا بگیرند

وزیر مالیه - بنده با آقایان اطمینان میدهم که اگر چیزی بوده است که گمرک نداشته البته نگرفته اند تا کنون و حالا هم نخواهند گرفت درست است ملبوس آن آنچه در تن بوده است که هیچ آنها معاف بوده است ولی حالا يك اشخاصی هستند که مهاجرت میکنند میبایند و میروند اینها تمام ملبوسشان را مثلاً بیست دست لباس لباس خودش لباس عیالش لباس بچه اش دو اب بار کس خودش را همراه میاورد شاید کاهی هم میشود که این را از مملکت خودش بیرونش میکنند بالاخره برای اینکه هر تکه يك چیزی از او مطالبه نکنند آنهائی که معاف بوده گمرک نمیدهند و اگر چیزی هست که معاف نیست که باید معاف شود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای عراقی

عراقی - ما آنوقت که طلبه بودیم مفهوم وصف را حجت نمیدانستیم در اینجا این را باید عرض کنم که این موضوع و این گرفتاری ممکن است هم برای بی بضاعت باشد و

هم با بضاعت خوب اگر با بضاعت باشد باید کمرب لباس را بدهد دیگر بخصوص با این توضیحی که آقای وزیر مالیه فرمودند این است که بنده عقیده ام این است اصل لغت بی بضاعت در اینجا معنی ندارد اشخاصی هم که دارند اقلاً لباسشان ملاقه شان باید معاف باشد.

وزیر مالیه - اگر در این تکرانی دارید که بعضی چیزها کمرب اصلاً نباید داشته باشد بفرمائید و الا آن چیزی که سابقاً کمرب داشته حالا هم دارد اما راجع بمسئله بی بضاعت و با بضاعت البته این فرق دارد اگر يك کسی تاجر معتبری است و در بهیئ مبالغی اسباب و اثاثیه دارد میخواهد بیاید بعضی اسباب و اثاثیه دارد کمرب بهش تعلق میکرد که از عهده دادش بر می آید این شخص را ما نمیخواهیم بگوئیم معاف است مقصود این است اشخاص که بضاعت ندارند میخواهند بیایند بایران **عراقی** - بنده استرداد میکنم

پیشنهاد آقای عدل

پیشنهاد میکنم عبارت به پول آنها علاوه شود

عدل این قانون مبتلا به مردم است و خیلی اهمیت دارد و در يك مواقعی هم آمده است بمجلس که آقایان عجله دارند بر رفتن بنده استدعا میکنم بگذردی آقایان توجه بفرمایند چون مربوط به فقرا است بگذردی بیشتر تشریح شود اولاً در لفظ بی بضاعت که آقا پیشنهادشان را پس گرفتند بنده عقیده ندارم میترسم در اینجا هم نقض غرض شود بنده نمیگویم مامورین همه شان بدهستند ولی ممکن است يك ماموری باشد که خوب نباشد آنوقت آنکه با بضاعت است پولی میدهد و میآید و آنکه بی بضاعت و بی چاره است گرفتار میشود تشخیص بی بضاعت و با بضاعت يك چیزی نیست که در سرحد داده شود بنده عقیده ام این است که لفظ بی بضاعت برداشته شود دوم مسئله که فوق العاده مهم است مسئله پولی است که این عملهای بیچاره همراه میاورند پول اینها را همینکه وارد شدند در سرحد میگیرند و ضبط میکنند الان آقایانیکه از این جا تشریف برده اند بآذربایجان

میدانند سر راه ده بیست نفر را ملاقات میکنند و اینها گدائی میکنند باو میگویند تو با این کردن کندن چرا گدائی میکنی میگوید من از روسیه آمدم در بندر بهلوی پول مرا ضبط کردند از این جهت گدائی میکنم این است که بنده عقیده ام این است که راجع به پول اینها يك فکری بکنید و اینها را موضوع کنند.

وزیر مالیه - اگر میدانستم که این قدر ایراد پیدا میشود عرض نمیکردم که در يك دقیقه تمام میشود اگر ما بخواهیم مسئله پول و این چیزهایی که خارج از متن این کار است این جا بخواهیم بحث کنیم این موضوع سه جلسه کار دارد پول را نمیشود معاف کرد يك پولی هست که ورودش ممنوع است آن را بموجب این قانون نمیشود آزاد کرد بموجب قانون دیگر هم آزاد نخواهیم کرد يك پولی هم که ممنوع نیست کمرب حق مطالبه ندارد اگر کرده است نظلم بکنند بنده حکم میکنم که بدهند و آزادش کنند بهر حال چون پولهای خارجه ما قانون اسمار داریم و يك چیزهایی در آن جا دارد و ما نمیتوانیم معاف کنیم اما مسئله بی بضاعت را که فرمودید بنده با اینکه جواب عرض کرده ام باز عرض میکنم اگر چنانچه با بضاعت است و يك چیزهایی دارد که کمرب بهش تعلق میگیرد که هیچ اما اگر بی بضاعت باشد که نخواهند گرفت

عدل - بنده هم پس میگیرم

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شود باضافه بقیمت ده تومان هم از اشیاء استعمال نشده

فیروز آبادی - این لایحه خیلی خوب لایحه ایست و موافق میل بنده است و بنده خیلی خوشوقت هستم که يك همچو لایحه را در مجلس دیدم ولی چیزی که اینجا محل تکرانی است این است که برای همان اشخاص بی بضاعت بنده عقیده ام این است که اگر اسباب تازه هم همراه داشته باشند تا قیمت ده تومان آن را هم اشکال نکنند

رئیس - آقایانیکه بایشهاد آقای فیروز آبادی موافقت قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند) تصویب نشد قبل از اینکه رأی بگیریم بماده باید عرض کنم که بنده ملوم باشم از اینکه بعد از اظهار ختم جلسه با این لایحه مطرح شد و از طرف آقایان اظهار رغبت شد بطرف این لایحه. (نمایندگان - صحیح است) رأی میگیریم بماده با ورقه آقایان موافقت ورقه سفید خواهند داد

(اخذ و شماره آراء بعمل آمده هفتاد و پنج ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضر ۸۱ با کثرت ۷۵ رأی تصویب شد.

[۴ - موقع جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - جلسه را ختم می کنیم جلسه فردا سه ساعت قبل از ظهر دستور بقیه دستور امروز (مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

اسامی رأی دهندگان - آقایان ناصری - کاتوری - دشتی - ایزدی - دیوان بیگی - ارکانی - استندباری - اسکندری - ابانث زاده شیرازی - امیر ابراهیمی - احتشام زاده - امیر دولشاهی - نوبخت - یاسائی - طایع - دهستانی - وهب احمدی - نجومی - عدل - مقدم - اورنگ شیخ الملکی - عراقی - ملک آرائی - سیزواری - طالش خان - تهرانی - شریعت زاده - کفائی - ملک مدنی - مصباح فاطمی - غلامحسین میرزا مسعود - زوار - فرهنگ - دکتر اتقان - بزرگ نیا - شهداد - آقا سید کاظم یزدی - حکمت - دهستانی - صادقی - اقبال - طباطبائی وکیل - سهراب خان ساکنیان - فتوحی - ظفری - طاهری - بیات ماکوئی - هفتی خواجوی - فولادوند - فرشی - مسعودی - دربانی - جلالی - حاجی علی اکبر امین - آقایان - شریفی - اعتبار - احمد - المغانی - مرزا - طباطبائی دیبا - مهدوی - چشیدی - حسنعلی میرزا دولشاهی - انجمنی - دکتر عظیمیا - سید مرتضی وثوق - قاضی نوری جیبی - مولوی - میرزا یانس - بشکدار - آقا سید بهرورب - سید ابراهیم ضیاء

قانون

معافیت اثاثیه و ادوات و عوامل کار ایرانیان بی بضاعت در موقع بازگشت بایران
از حقوق گمرکی و تاکنس راه

ماده واحده - ملبوس و رخوت زیر لباس ملافه - رو میزی و اثاثیه از هر قبیل - آلات و ادوات کار
که مستعمل باشد - حیوانات مخصوص بارکشی و زراعت که اتباع بی بضاعت ایران در موقع بازگشت بموطن خود
همراه می-آورند از حقوق گمرکی و تاکنس راه معاف است مشروط بر اینکه اشیاء و ادوات مزبور را نتوان بمنزله
اجناس و اموال تجارتی تلقی نمود

اینقانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه دهم آبان ماه یکهزار و سیصد و نه شمسی بتصویب مجلس
شورای ملی برسد

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر